

حق بر امنیت و همگانی بودن آن

محسن اسماعیلی^۱

دریافت: ۱۳۹۷/۲/۲۳ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۴/۱

چکیده

امنیت به مثابه یک حق همگانی در متون و اسناد معتبر حقوق بین الملل، از جمله ماده بیست و دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده نهم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد تصریح و تأکید قرار گرفته است. اینک این دو پرسش مطرح است: آیا این حق در فقه امامیه به رسمیت شناخته شده است؟ برای چه کسانی؟ در این مقاله، نخست به اهمیت یافتن پاسخ این پرسش ها و رهاوردهای آن اشاره می شود. سپس در دو گفتار جداگانه به دو پرسش اصلی پاسخ داده می شود. کاوش و دقت در منابع استنباط فقهی نشان می دهد که، اولاً؛ امنیت به عنوان حق شهروندی به رسمیت شناخته شده و در درجه نخست اهمیت است. ثانیاً؛ این حق متعلق به همه شهروندان است و تفاوت دین، مذهب، قومیت و مانند آن تأثیری در برخورداری از حق مزبور ندارد.

واژگان کلیدی

امنیت، امنیت عمومی، حقوق شهروندی، حق همگانی، محاربه.

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. ir.ut.ac.1344@Esmacili

مقدمه؛ طرح موضوع، اهمیت و رهاوردهای آن

برای سامان دادن به مقدمه ناچار به بازخوانی معنای واژگانی و اصطلاحی «امنیت» هستیم. سپس به شناسایی این حق در منابع حقوق امامیه اشاره خواهیم کرد. بیان مسئله و ضرورت آن نیز در ادامه مطرح خواهد شد.

واژه‌شناسی و مفهوم‌یابی

واژه «امنیت» و مشتقات آن برگرفته از ریشه «أ، م، ن» است. دقت در کاربرد واژه‌هایی که به این ریشه برمی‌گردند، نشان می‌دهد که همگی در بردارنده معنای آرامش و اطمینان خاطر بوده و در نقطه مقابل ترس، نگرانی و اضطراب به کار می‌روند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۹۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۱؛ مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۱۵۲). امنیت نیز به معنای فقدان تهدید نسبت به دارایی‌ها و ارزش‌ها استعمال می‌شود. البته برخی نکته سنج‌ها گفته‌اند: «فقدان» تهدید آرزویی دست‌نایافتنی است و دارایی‌ها و ارزش‌های مورد علاقه بشر همیشه در معرض خطر و آسیب است. پس واقع بینانه‌تر آن است که امنیت را مطلق نینگاریم و آن را به «کاهش» نسبی تهدید معنا کنیم، نه به فقدان آن (اسماعیلی، ۱۳۷۹، ص ۱۵).

می‌دانیم که انسان به چیزهایی دل می‌بندد و برای حفاظت از آنها حساسیت و دغدغه دارد. این چیزها که «دارایی» خوانده می‌شود و برای او «ارزش» دارد، می‌توانند مادی یا معنوی (مانند خانه یا حیثیت افراد) و فردی یا جمعی (مثل آزادی شخصی یا استقلال ملی) باشد. اگر آدمی نسبت به بقای هریک از انواع دارایی‌ها و ارزش‌های خود آرامش باطنی داشته و احساس تهدید و خطر نکند، به «امنیت» کامل دست یافته است؛ همان‌گونه که کاهش میزان خطر هم امنیت نسبی برای او می‌آفریند.

امنیت، براساس دارنده یا آنچه که به آن تعلق گرفته است، انواع مختلفی پیدا می‌کند (مایکل سی، ۱۳۹۰، ص ۷؛ منظمی‌تبار، ۱۳۹۴، ص ۶۴؛ افتخاری، ۱۳۸۱، ص ۲۵۹). اگر خاطر فرد آسوده باشد، «امنیت فردی» خوانده می‌شود؛ چنان‌که با آرامش عموم، «امنیت اجتماعی» حاصل می‌شود. اگر خطری دارایی‌ها و اموال مادی را تهدید نکند، «امنیت مالی

و اقتصادی» پدید آمده است، و اگر ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی در سلامت بمانند، «امنیت اخلاقی و فرهنگی». اصطلاحاتی مانند «امنیت سیاسی»، «امنیت قضایی» و «امنیت جانی» نیز نمونه‌های دیگری از تقسیم‌بندی امنیت، بر اساس موضوع و متعلق اطمینان خاطر است.

به رسمیت شناخته شدن امنیت به مثابه حق شهروندی

بی‌تردید برخورداری از امنیت یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشر و از اصلی‌ترین کارکردهای هر حکومت است. نظام‌های سیاسی، برآمده از هر نظریه‌ای که باشند، خود را موظف به تأمین، حفاظت و گسترش امنیت می‌دانند. برای همین است که امنیت، چه در بخش فردی و چه در بخش اجتماعی، یکی از حقوق اولیه انسان‌ها (و در نتیجه از تکالیف قطعی دولت‌ها) شناخته شده و در اسناد معتبر جهانی بدان تصریح شده است؛ برای مثال مطابق ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.» همچنین بر اساس ماده بیست و دوم همان اعلامیه: «هرکس به عنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به وسیله مساعی ملی و همکاری بین‌المللی، حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه مقام و نمو آزادانه شخصیت او است، با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور به دست آورد.»

دیگران که، هر انسان، بدون هیچ تفاوتی، از آنجا که انسان است، از همه حقوق مندرج در این اعلامیه، و از جمله حق امنیت برخوردار است. به موجب ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هرکس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره‌مند گردد.»

همین مفاد با صراحت بیشتر در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تکرار شده است. طبق بند اول از ماده دو این سند: «دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمروی تابع حاکمیتشان بدون هیچ‌گونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر،

اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا سایر وضعیت‌ها محترم شمرده و تضمین بکنند.»

بیان مسئله و ضرورت آن

طبعاً حکومت‌های مبتنی بر دین، از جمله نظام جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر فقه امامیه است (قانون اساسی، اصول ۲ و ۴)، نمی‌توانند و نباید از این کارویژه حاکمیتی غافل بمانند؛ همچنان‌که نمانده‌اند. اما باید دید که موضع رسمی فقه امامیه، به عنوان مبنای حقوق و قوانین ما در این باره چیست و از چه اصولی پیروی می‌کند؟

پاسخ به این پرسش‌ها، دست‌کم دو سود مهم دارد: نخست این‌که چهره اسلام ناب محمدی ﷺ از اتهام نقض امنیت شهروندان پاک نگه داشته می‌شود. واقعیت آن است که حاکمیت الهی و دینی افزون بر کج‌فهمی‌ها، با غرض‌ورزی‌های زیادی روبه‌رو است. گروهی می‌کوشند خواسته یا ناخواسته، آن را در مقابل حقوق و آزادی‌های مردم قرار دهند. از سوی دیگر، اتهام نقض عمدی این حق طبیعی شهروندان از جمله دروغ‌های بزرگی است که نباید بی‌پاسخ بماند. این شبهه‌افکنی‌ها ممکن است آثار مخربی در اذهان کسانی باقی بگذارد که با حقایق دینی و واقعیت‌های اجتماعی کمتر آشنا هستند؛ خاصه با تجربه تلخی که از حاکمیت دینی در اروپای قرون وسطا وجود دارد، و مرتباً با بزرگ‌نمایی به افکار عمومی روزگار ما منتقل می‌شود.

مرحوم استاد شهید مرتضی مطهری رحمه‌الله‌ علیه با اشاره به تجربه تلخ حکومت کلیسا که امنیت و حقوق طبیعی شهروندان را به استناد انتساب به خدا نادیده می‌گرفت، رواج چنین اندیشه‌ای را از علل گرایش به مادی‌گری و دین‌گریزی نسل‌های دیروز و امروز می‌داند و معتقد است: «اندیشه‌ای خطرناک و گمراه‌کننده در قرون جدید میان بعضی از دانشمندان اروپایی پدید آمد که در گرایش گروهی به ماتریالیسم سهم بسزایی دارد، و آن این‌که نوعی ارتباط تصنعی میان ایمان و اعتقاد به خدا از یک طرف و سلب حاکمیت توده مردم از طرف دیگر برقرار شد. مسئولیت در برابر خدا مستلزم عدم مسئولیت در برابر خلق خدا فرض شد و حق‌الله جانشین

حق الناس گشت. ایمان و اعتقاد به ذات احدیت که جهان را به حق و به عدل برپا ساخته است، به جای این که زیربنا و پشتوانه اندیشه حقوق ذاتی و فطری تلقی شود، ضد و مناقض آن شناخته شد.» (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۴۴۸).

ایشان در جای دیگری تصریح می کند که همین اندیشه نادرست باعث شد تا گروهی از روشنفکران متدین اروپا برای رهایی از این مشکل به دامن سکولاریسم پناه ببرند (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۴۴۸؛ مطهری، ۱۳۸۷، ص ۳۹۰).

با توجه به این تجربه مهم تاریخی، برای جمهوری اسلامی ایران که برپایه ایمان به حاکمیت الهی استوار گشته است، تبیین درست این نظریه و تعیین جایگاه امنیت و دیگر حقوق مردم در آن اهمیت مضاعفی می یابد. سود مهم دیگر، آن است که تبیین درست و حکیمانه جایگاه و مبانی حق امنیت و دیگر حقوق بشر و شهروندی در نظام فقهی، ما را از موضع دفاع در برابر اتهام نقض حقوق بشر به موضع شاکی منتقل می کند. سال هاست که کشورهای غربی با انگاره سازی و بهره مندی یک جانبه از رسانه های بزرگ و انحصاری، خود را مبتکر و مدافع آزادی و امنیت بشر معرفی کرده اند و طلبکارانه از ما می پرسند که چرا به این موازین پایبند نیستیم؟! آنان با زیرکی و شیطنت تمام نقض حقوق شهروندان را مفروض می گیرند و از ما خواستار توضیح چرایی آن هستند؛ حال آن که چه از لحاظ نظری و چه در حوزه عملی، این آموزه های اسلام و نظام سیاسی برآمده از آن است که به مراتب دقیق تر، گسترده تر و قدیمی تر از غرب این مبانی را پذیرفته و اعلام کرده است. پس این ما هستیم که باید علت این همه عقب ماندگی تاریخی غرب را بپرسیم و به تعبیر رهبر معظم انقلاب، آنان را در موضع متهم قرار دهیم؛ «باید تلاش کنیم تا مؤلفه های قدرت خودمان را بشناسیم و در بسیاری از مسائل جهانی موضع اساسی جمهوری اسلامی را به عنوان یک موضع تهاجمی اتخاذ کنیم. ما در چند مسئله می توانیم موضع تهاجمی داشته باشیم. در قضیه حقوق بشر موضع ما موضع تدافعی نیست. موضع مان تهاجمی است.» (خامنه ای، ۱۳۸۳).

سؤال‌ها و فرضیه‌ها

با توجه به آنچه گفته شد، پرسش این است که اولاً؛ آیا حق بر امنیت در فقه امامیه نیز به رسمیت شناخته شده است؟ ثانیاً؛ در صورتی که پاسخ مثبت است، برای چه کسانی؟ آیا همه شهروندان با هر خصوصیتی از این حق برخوردارند یا تنها مؤمنان از چنین حقی بهره‌مند شده‌اند؟

به نظر می‌رسد، در فقه امامیه نیز امنیت به عنوان حق شهروندی به رسمیت شناخته شده و افزون بر آن در درجه نخست اهمیت است. دیگر آن‌که، این حق متعلق به همه شهروندان است و تفاوت دین، مذهب، قومیت و مانند آن تأثیری در برخورداری از حق مزبور ندارد. برای اثبات این دو فرضیه، در گفتار نخست از شناسایی و به رسمیت شناختن حق بر امنیت در منابع فقه سخن خواهیم گفت. سپس در مورد همگانی و عمومی بودن این حق و مفهوم عام آن در گفتار دوم بحث خواهیم کرد.

۱. امنیت؛ به عنوان حق شهروندی

از نظر قرآن کریم، به عنوان منبع اصلی استنباط احکام و اندیشه‌های اسلامی، امنیت پیش‌نیاز یک زندگی مقبول اجتماعی است، و جایی مناسب زندگی بشر است که قبل از هر چیز امن و برخوردار از رفاه باشد. با درک همین نیاز طبیعی است که حضرت ابراهیم علیه السلام، به هنگام بنیان‌نهادن شهر جدید مکه، از خداوند می‌خواهد آن سرزمین را از نعمت امنیت برخوردار سازد: «قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا» (سوره بقره، آیه ۱۲۶). در آیه دیگری هم آمده است: «قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا» (سوره ابراهیم، آیه ۳۵).

نکته لطیفی که در این دو آیه وجود دارد، تفاوت ظریف میان دو تعبیر است. با این‌که هر دو آیه یک خواسته از آن حضرت را گزارش می‌کنند، در آیه نخست اشاره به شهر مکه به صورت نکره است (هَذَا بَلَدًا آمِنًا)، اما در آیه دوم به صورت معرفه (هَذَا الْبَلَدُ). چرا؟

علامه طباطبائی رحمته الله علیه به استناد همین تفاوت تأکید می‌کنند که این دو آیه، حاکی از دو دعا در دو زمان متفاوت است، نه یک دعا که در دو جای قرآن نقل شده باشد؛ اولی مربوط به

سفر نخستی است که آن پیامبر بزرگ زن و فرزندش را در بیابان خشک و بی آب و علف نهاد؛ بیابان ناشناخته‌ای که محل احداث خانه خدا و شهر مکه شد. اما دومی مربوط به سفرهای بعدی است که پس از شکل‌گیری و شناخته شدن شهر مکه داشته‌اند.

از آنجا که در سفر نخست این بلد ناشناخته بود، ابراهیم علیه السلام با عبارت نکره درخواست کرد که شهری امن گردد. ولی در سفرهای بعد، چون این شهر بنیان شده بود و مشهور گردیده بود، از عبارت معرفه بهره برده است (طباطبائی، ۱۴۳۰ ق، ج ۱۳، ص ۶۸۰). از این جا معلوم می‌شود که امنیت نیاز ثابت و همیشگی انسان است، و به همین دلیل خواسته مداوم آن حضرت بوده است. امنیت یک نیاز مقطعی نیست و باید همواره از سوی حاکمان الهی نیز تأمین و تضمین گردد؛ همان‌طور که خداوند نیز خواسته ابراهیم را اجابت کرد و آنجا را چون خانه امنی برای فرزندان او و همه «مردم» برای همیشه تاریخ قرار داد: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا» (سوره بقره، آیه ۱۲۵).

تأمین این نیاز، یعنی امنیت، چنان ارزشمند و عزیز است که موجب مَنّت پروردگار بر آدمیان بوده و او را شایسته سپاس و بندگی می‌کند: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (سوره قریش، آیات ۳ و ۴)؛ و مهم‌ترین که همین سرزمین امن، موضوع یکی از سوگندهای پروردگار برای اثبات این حقیقت است که آدمیان را در بهترین وضعیت آفریده است: «وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (سوره تین، آیات ۳ و ۴)؛ همان‌گونه که در آیه دیگری، از شهر امن به عنوان یک آرمان مثال‌زدنی یاد کرده است: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»؛ خداوند شهری را مَثَل زده است که امن و آرام بود و رزقش به وفور از هر طرف به آن می‌رسید، اما اهل آن شهر این نعمت را کفران کردند و خدا هم به سزای آنچه انجام می‌دادند، طعم گرسنگی و هراس را به مردم آن چشانید. (سوره نحل، آیه ۱۱۲)

در این باره که آیه فوق تنها جنبه تمثیل دارد یا اشاره به یک واقعه خاص تاریخی است و نیز در این زمینه که بر فرض اخیر، مقصود کدام شهر و کدام ملت بوده، گفت‌وگوهای فراوانی میان مفسران در گرفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ص ۴۳۰). اما آنچه در هر صورت قطعی به نظر

می‌رسد، بیان یک قاعده کلی در این آیه شریفه است؛ قاعده و سنتی که خداوند می‌خواهد مانند دیگر سنت‌هایش برای ما تبیین و به حقیقت آن راهنمایی کند: «يُرِيدُ اللَّهُ لِيُثَبِّتَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» (سوره نساء، آیه ۲۶)، و ما نیز وظیفه داریم با جست‌وجو و تحقیق به آن دست یابیم: «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَاسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا...» (سوره آل عمران، آیه ۱۳۷)؛ زیرا سنت‌های خداوند تغییرپذیر نیست: «وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (سوره احزاب، آیه ۶۲)؛ و هرکس چنان کند که پیشینیان کردند، چنان خواهد دید که آنان دیدند: «وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ» (سوره انفال، آیه ۳۸).

از این آیات و دیگر آیات مشابه از قرآن کریم معلوم می‌شود که امنیت، نیاز طبیعی و فطری انسان برای ادامه حیات و رسیدن به هدف خلقت است. از سوی دیگر و براساس دیدگاه اسلام، هرآنچه انسان برای رسیدن به کمال خویش به آن «نیاز» دارد، «حق» اوست (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۵۰). برای مثال، چون پرورش و رشد کودکان نیازمند نگاهداری و مراقبت از آنان است، «حضانة» حق آنان و تکلیف پدر و مادر است (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۳۷۷).

چنین است که حق بر امنیت در سایر منابع فقهی نیز به رسمیت شناخته شده و دارای جایگاه رفیع و اهمیت بالایی است؛ تا آنجا که می‌تواند در رده نخست ارزش و اهمیت قرار گیرد. از منظر سنت و روایات، امنیت یکی از بزرگ‌ترین و گواراترین نعمت‌های الهی است که آسایش زندگی در گرو آن است: «رَفَاهِيَةُ الْعَيْشِ فِي الْأَمْنِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۴۷)، و بدون آن، شادی و نشاط در زندگی بشر مفهومی ندارد: «كُلُّ سُورٍ يَحْتَاجُ إِلَى أَمْنٍ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۸، ص ۷۰). امنیت با نعمت تندرستی همسنگ است، ولی با این همه، کمتر کسی قدر این نعمت بزرگ را می‌داند و مانند نعمت سلامت ناسپاسی می‌شود: «نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ: الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۲، ج ۱۲، ص ۲۷۰). علامه مجلسی رحمته الله علیه در تبیین معنای «مَكْفُورَتَانِ» می‌نویسد: «یعنی ارزش آنها بر انسان‌ها پوشیده است، بزرگی آن را نمی‌دانند یا به دلیل غفلت از آن، سپاس‌گزار امنیت و سلامت خویش نیستند.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۱، ص ۱۷۰).

در مقابل، نبود امنیت یکی از سخت ترین مجازات های الهی است. زندگی برای مردمی که امنیت ندارند، لَذَّتْ بخش نیست: «الْحَايَةُ لَا عَيْشَ لَهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۴۴۷)، و معیار ارزش هر سرزمین، میزان برخورداری آن از امنیت است؛ به گونه ای که: «سُرُّ الْبِلَادِ بَلَدٌ لَا أَمْنٌ فِيهِ وَلَا خَصْبٌ»؛ بدترین مکان ها سرزمینی است که در آن، امنیت و فراوانی نعمت نباشد. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۴۴۷) بر همین اساس، آیت الله خامنه ای رحمته الله به صراحت اعلام کرده اند: «مقوله امنیت، در درجه اول حقوق مردم است. احساس خود مردم نیز همین است. اگر محیط ناامن باشد، هیچ خواسته و خوشی ای برای مردم باقی نمی ماند. لذا شما دیده اید که گاهی در بعضی از ادوار تاریخ، مردم تن به قلدری یک قلدر، با همه رنج ها و سختی هایش داده اند، برای این که امنیت را در اختیار آنها بگذارد.» (خامنه ای، ۱۳۷۹).

آنچه به عنوان مشتی از خروار گزارش شد، بر درک عقل و فهم عقلا نیز منطبق است و از این رو اجماع فقها بر آن را در مبحث بعد خواهیم دید.

حفظ امنیت به عنوان یکی از مقاصد اصلی شریعت مورد تصریح فقهای عامه و خاصه قرار گرفته است. غزالی هدف از تمام احکام شرع را در حفظ پنج چیز خلاصه می داند: دین، جان، عقل، نسل و مال. به عقیده وی تمام مقاصد شریعت، حفظ امنیت این پنج دارایی بشر است (الزحیلی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص. ۷۶۹).

۲. همگانی بودن حق امنیت

از آنجا که امنیت، نیاز و خواست فطری و طبیعی هر انسان است، اسلام نیز که دین فطرت است، امنیت را فقط برای مسلمانان نمی خواهد. از نگاه شریعت، امنیت یکی از نیازهای ضروری «انسان» است، و تفاوت عقیده، و حتی ارتکاب جرم نمی تواند بهانه ای برای سلب این حق از کسی شود. برای همین است که حضرت ابراهیم نیز امنیت را نه برای خانواده خویش، که برای تمام ساکنان آن سرزمین خواست. او امنیت آن سرزمین را می خواست، نه امنیت کسان خویش را. خداوند حکیم نیز امنیت را برای همه مردم قرار داد: «إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا» (سوره بقره، آیه ۱۲۵).

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «ثَلَاثَةُ أَشْيَاءٍ يَحْتَاجُ النَّاسُ طُرًّا إِلَيْهَا الْأَمْنُ، وَالْعَدْلُ، وَالْحِصْبُ»؛ سه چیز است که همه مردم، بدون استثنا به آنها نیازمندند: امنیت، عدالت و فراوانی. (ابن شعبه حرّانی، ۱۳۶۳، ص. ۳۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۸، ص. ۲۳۴).

آثار فقهی این دیدگاه را به روشنی می‌توان در تعریف «محاربه» و شمول آن نسبت به ایجاد ناامنی برای غیرمسلمانان مشاهده کرد. مشهور فقیهان محاربه را که آشکارترین جرم علیه امنیت و آسایش عمومی است، چنین تعریف کرده‌اند: «المحارب كل من جرد السلاح لاختافه الناس، في براو بحر، ليلاً كان او نهاراً، في مصر وغيره»؛ محارب کسی است که برای ترساندن مردم سلاح برکشد؛ در خشکی باشد یا دریا، در شب باشد یا روز، در شهر باشد یا روستا (حلی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص. ۱۸۰).

این تعریف مشهور به استناد روایات متعددی است که در این زمینه وارد شده و اکثراً دارای قیود مشابه است (خرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص. ۵۳۳).

یکی از پرسش‌های درخور توجه درباره این تعریف آن است که آیا مقصود از «مردم»، تنها مسلمانان است یا از بین بردن امنیت هر شهروند، حتی اگر مسلمان نباشد، مصداق محاربه و مستوجب کیفر آن به شمار می‌رود؟

این پرسش از گذشته‌های دور در میان فقیهان مطرح بوده است. معدود کسانی محاربه را مختص از بین بردن امنیت مسلمانان دانسته‌اند؛ با این استدلال که تعریف فقهی محاربه مقید به «دارالاسلام» شده است (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص. ۶۳۵).

اما چنان‌که شیخ محمد حسن نجفی، صاحب جواهر، فرموده است: «چنین برداشتی درست نیست؛ زیرا سکونت در دارالاسلام شامل غیرمسلمان‌هایی نیز می‌شود که در سرزمین اسلامی زندگی می‌کنند؛ ضمن آن‌که عموم آیه شریفه (سوره مائده، آیه ۳۳)، عموم روایات مربوط به محاربه (خرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص. ۵۳۳)، و همچنین اجماع فقها حاکی از آن است که سلب امنیت مردم، چه مسلمان باشند و چه غیرمسلمان، مشمول تعریف محاربه است» (نجفی، ۱۴۱۳ق، ج ۴۱، ص. ۵۶۴).

ایشان در ادامه بحث، سلب امنیت افراد را، حتی اگر یک نفر و حتی اگر نامسلمان باشند،

طبق آیه شریفه مصداق جنگ با خدا و رسول می‌داند (نجفی، ۱۴۱۳ق، ج ۴۱، ص ۵۶۴). این فتوا از سوی برخی فقهای معاصر نیز تکرار شده است (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲ق، ص ۵۰۴؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۱۳ق، ص ۷۹۵).

بنابراین همه شهروندانی که در سایه نظام اسلامی زندگی می‌کنند، حتی غیرمسلمانان، حق دارند تا از امنیت برخوردار باشند. این از افتخارات فقه شیعی است که می‌گوید: اگر مسلمانی موجب سلب امنیت نامسلمانی شود، در حقیقت به جنگ خدا و رسول رفته و محارب محسوب می‌شود.

از دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله علیه، به عنوان فقیه مؤسس و معمار نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران: «هر ایرانی حق دارد که مانند همه افراد از حقوق اجتماعی برخوردار باشد؛ مسلمان یا مسیحی و یا یهودی و یا مذهب دیگر فرق ندارد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۵۰۸)، «آنان نیز باید از حقوق طبیعی خودشان که خداوند برای همه انسان‌ها قرار داده است، بهره‌مند شوند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۳۶۴)، و «حکومت اسلامی موظف است از حقوق آنان [اقلیت‌های مذهبی] به بهترین وجه حفاظت کند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۵۸۰).

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه، رهبر معظم کنونی نیز: «امنیت، حق عمومی و متعلق به همه مردم در سرتاسر کشور است و اقوام مختلف، زبان‌های مختلف، عادات مختلف و ادیان مختلف از آن بهره می‌برند؛ چه برسد به سلاقی مختلف سیاسی. حتی کسی که با یک نهاد مهم و با اساس نظام مخالف است، شما باید امنیت محیط زندگی‌اش را تأمین کنید. تنها عنصری که از این چتر عمومی خارج است، خود مجرم در حال ارتکاب جرم یا در جهت ارتکاب جرم است؛ ولی سایر افراد، همه کسانی که هستند، مشمول این چتر عمومی‌اند و شما بایستی آن را بر سر تمام این ملت بگسترانید» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹).

از دیگر نمونه‌های مهم، قلمرو و آثار «عقد امان» است. قرآن بلافاصله پس از آن‌که به شدتِ عمل در برخورد با مشرکانی توصیه می‌کند که به جنگ با مسلمانان رو آورده‌اند، به رسول خدا صلی‌الله علیه و آله دستور می‌دهد: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ

مَأْمَنَةً؛ اگر یکی از مشرکان از توپناه خواست، پس پناهش بده تا سخن خدا را بشنود، آن‌گاه او را به جایگاه امن وی برسان. (سوره توبه، آیه ۶)

یعنی اگر در میدان جنگ یکی از بت پرستان در خواست پناهندگی کرد باید نهایت امنیت و آرامش را برای وی فراهم ساخت تا فرصت تفکر و انتخاب داشته باشد. طبق این آیه که یکی از مستندات اعطای امان از سوی یکایک مسلمانان است، تأمین امنیت برای مشرکان نیز واجب است؛ حتی اگر پس از مطالعه و بررسی همچنان دین خود را برتر و حق بداند. حتی در این صورت نیز حاکمان و آحاد مسلمانان باید امنیت وی را تا بازگشت به محل امن خویش تأمین نمایند.

در حدیثی صحیح از امام صادق (ع) نقل شده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَبْعَثَ سَرِيَّةً دَعَاهُمْ فَأَجْلَسَهُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ يَقُولُ: سِيرُوا بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ لَا تَغْلُوا وَلَا تُمَثِّلُوا وَلَا تَغْدِرُوا وَلَا تَقْتُلُوا شَيْخًا فَإِنِّي لَا صَبِيًّا وَلَا امْرَأَةً وَلَا تَقْطَعُوا شَجَرًا إِلَّا أَنْ تَضْطَرُّوا إِلَيْهَا وَأَيُّمَا رَجُلٍ مِنْ أَذَى الْمُسْلِمِينَ أَوْ أَفْضَلِهِمْ نَظَرَ إِلَى رَجُلٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَهُوَ جَارٌ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ فَإِنْ تَبِعَكُمْ فَأَخَوْكُمْ فِي الدِّينِ وَإِنْ أُنِيَ فَأَبْلَغُوهُ مَأْمَنَةً وَاسْتَعِينُوا بِاللَّهِ عَلَيْهِ»؛ هرگاه رسول خدا می‌خواست لشکری اعزام کند، آنها را در مقابل خود می‌نشاند فرمانده و سپاه را به تقوا و پرهیزکاری امر می‌نمود و می‌فرمود: به نام خدا حرکت کنید و به نام خدا و در راه خدا جنگ کنید؛ یعنی هدف شما خدا باشد و در غنائم نسبت به یکدیگر خیانت ننمایید و هیچ مقتولی را مثله نکنید و پیمان‌های خود را نشکنید، پیرمردان و پیرزنان و کودکان را نکشید و هیچ درختی را قطع نکنید؛ مگر این‌که ناچار باشید و هر کس از مسلمانان اگرچه یک فرد عادی باشد، به یکی از کفار برای شنیدن کلام خدا امان داد، امان او را محترم شمارید؛ اگر اسلام را پذیرفت برادر دینی شما است؛ وگرنه او را به محل خود باز گردانید و از خداوند علیه او طلب یاری کنید. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۵۹)

بر همین اساس فقیهان فتوا داده‌اند: «در هر صورت، تأمین امنیت چنین کافری تا رسیدن وی به محل امن واجب است؛ حتی اگر او به اشتباه خیال کرده باشد که به وی امان داده‌اند» (حلی، [بی‌تا]، ج ۹، ص ۹۰).

صاحب جواهر با اشاره به دلایلی مانند این که امیر مؤمنان علی علیه السلام از مسلمانی که با نقض امنیت چنین کسی وی را به قتل برساند، اعلام براءت کرده (حُر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۵، ص ۶۹)، و به گفته امام باقر علیه السلام در روز قیامت با پرچم خیانت وارد محشر می گردد (حُر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۵، ص ۶۷)، حکم به وجوب تأمین امنیت او را بدون مخالف و بلکه اجماعی می داند. (نجفی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲۱، ص ۹۲).

نتیجه گیری

بر اساس آنچه گفته شد، تردیدی نیست که شریعت اسلام، و به طور خاص فقه امامیه، امنیت را حق مسلم هر فرد می داند که باید از سوی حاکمیت دینی تأمین گردد؛ بدون آن که تمایزها و خصوصیت های فردی در این استحقاق تأثیری داشته باشد.

منابع

قرآن کریم
نهج البلاغه

کتاب‌ها

۱. ابن شعبه الحرانی، ابو محمد الحسن (۱۳۶۳). *تحف العقول*، چاپ دوم، قم: انتشارات جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
۲. ابن منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
۳. اسماعیلی، محسن (۱۳۷۹)، «امنیت ملی از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی»، فصل‌نامه دانش انتظامی، شماره ۲ و ۳.
۴. افتخاری، اصغر (۱۳۸۱). *مطالعات امنیت ملی*، چاپ اول، [بی‌جا] انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ ق). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۷. حلی (محقق اول) (۱۴۰۳ ق). ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید، *شرايع الاسلام*، چاپ اول، بیروت: دارالاضواء.
۸. حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (بی‌تا). *تذکرة الفقهاء*، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۹. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۹). *بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای تأمین استان‌ها*، تاریخ: ۱۳۷۹/۱۱/۲۵، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بازیابی شده از: www.Leader.ir
۱۰. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۶). *بیانات معظم‌له در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و رؤسای*

نماینده‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، بازیابی شده ۲۵/۰۵/۱۳۸۳، از: [www. Leader.ir](http://www.Leader.ir)

۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*، چاپ اول، بیروت: دارالعلم.

۱۲. الزحیلی، وهبة (۱۴۰۶ق). *اصول الفقه الاسلامی*، چاپ اول، دمشق: دارالفکر.

۱۳. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۳۰ق). *تفسیر المیزان*، چاپ نهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، حوزه علمیه قم.

۱۴. فاضل لنکرانی، محمد موحدی (۱۴۲۲ق). *الحدود (تفصیل تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة)*، چاپ اول، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام).

۱۵. فاضل هندی، محمد بن حسن بن محمد اصفهانی (۱۴۱۶ق). *کشف اللثام و الإیهام عن قواعد الأحکام*، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، *مبانی حقوق عمومی*، تهران: نشر دادگستر.

۱۷. مایکل سی، ویلیامز، (۱۳۹۰). *فرهنگ و امنیت*، ترجمه روح الله طالبی آرانی و مرتضی نورمحمدی، چاپ دوم، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). *بحار الانوار*، بیروت، لبنان: مؤسسة الوفاء.

۱۹. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۲). *میزان الحکمه*، چاپ سیزدهم، قم: سازمان چاپ و انتشارات دارالحديث.

۲۰. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ۱۴۰۲ق، چاپ اول، تهران: مرکز الکتاب للترجمة والنشر.

۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). *مجموعه آثار*، جلد ۱۶، چاپ سوم، تهران: انتشارات صدرا.

۲۲. ----- (۱۳۸۷). *مجموعه آثار*، جلد ۲۴، چاپ دوم، تهران: انتشارات صدرا.

۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، و دیگران (۱۳۶۲). *تفسیر نمونه*، جلد ۱۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۲۴. منظمی تبار، جواد (۱۳۹۴). *فرهنگ و امنیت انتظامی*، چاپ اول، تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.

۲۵. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۱۳ق). *فقه الحدود و التعزیرات*، چاپ اول، قم: مکتبه امیرالمؤمنین.

۲۶. موسوی خمینی (امام)، سید روح الله، (۱۳۷۸). *صحیفه امام*، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۲۷. نجفی، محمد حسن (۱۴۱۳ق). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

قوانین و مقررات

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸ با اصلاحات ۱۳۶۸.

۳. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد.